نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۶۷

دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

اعتراض به دستور یک مدیر دولتی برای جمع‌آوری و از بین بردن نسیم جنوب

اتهام به جای افتخار به نسیم جنوب

با آثاری از :

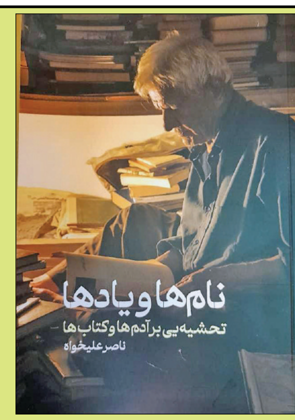
قاسم محمدی، سروش بامداد، دکتر سجاد بهزادی، دکتر فرزان اسدی، دکتر عبدالرحیم مهرور، اسماعیل منصورنژاد، زیبا هوشیار، حسین حشمتی، احسان هوشمند، دکتر عباس حاتمی، اسکندر احمدنیا، مهدی جهانبحشان، مسلم روئین، سیامک برازجانی، دکتر سعید معدنی، دکتر عبدالمجید مصلح، دکتر حمید اسدپور، دکتر زهره عالی‌نسب، دکتر عبداله آورا، دکتر رضا آذین و حسین زیرراهی، ناصر علیخواه، مونا علیخواه





نکوداشت استاد ناصر علیخواه به مناسبت انتشار کتاب «نام‌ها و یادها»

در جست و جویِ زمانی برای زندگیِ دَوباره



درخواست جمع آوری و از بین بردن نسیم جنوب توسط یک مقام دولتی

عصر ایران: یک مقام تامین اجتماعی بوشهر خواستار جمع‌آوری و از بین بردن هفته نامه استانی (نسیم جنوب) شد.
براساس بخشنامه داخلی، رییس اداره بازرسی تامین اجتماعی استان بوشهر، دلیل این اقدام را «زاویه‌دار بودن نشریه با دولت» اعلام کرده است.این در حالی است که نشریه، خبرهای تامین اجتماعی را هم منتشر می کند.
هفته نامه نسیم جنوب به عنوان قدیمی‌ترین نشریه در حال انتشار استان بوشهر، به مدیر مسوولی یونس قیصی‌زاده از سال ۱۳۷۶ تاکنون با مجوز هیات نظارت بر مطبوعات، منتشر و در دکه‌های مطبوعاتی به فروش می‌رسد.
در این نامه که تصویر آن در عصر ایران منتشر شده، و از طرف رئیس اداره بازرسی تامین اجتماعی استان بوشهر خطاب به مدیرکل آن اداره، نوشته شده است، آمده:
احتراماً؛ در اجرای وظایف سازمانی و نظارتی، اخیراً تعدادی از مجلات و هفته نامه‌های زاویه‌دار با دولت و نظام (هفته نامه نسیم جنوب)، توسط روابط عمومی در سطح اداره کل توزیع و مشاهده گردیده و بنا به گزارشات دریافتی واصله، خبرهای مربوط به اداره کل استان نیز در تعدادی از شماره‌های منتشر شده، منعکس یافته است. خواهشمند است دستور فرمایید ضمن برخورد قاطع اداری با مسببین توزیع، نسبت به جمع آوری و امحاء آن اقدام فوری به عمل آورند. مزید اطلاع خاطرنشان می‌سازد که با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده وجهی نیز بابت انتشار اخبار توسط امور مالی به نشریه یاد شده پرداخت نشده است.
حسین حیدری رئیس اداره بازرسی و رسیدگی به شکایات (اداره کل بوشهر)
همچنین بازدرهوا مدیرکل تامین نیز در بالای این نامه خواستار پیگیری موضوع از طرف معاونین، روابط عمومی و حراست، شده است.

۲ عنوان برتر برای «آخرین کوسه نهنگ» هنرمند بوشهری، در جشنواره سینما حقیقت

مستند «آخرین کوسه نهنگ» در چهار بخش موسیقی، تصویربرداری، صداگذاری و تهیه‌کنندگی جشنواره فیلم مستند سینما حقیقت به عنوان نامزد نهایی معرفی شد که در آئین اختتامیه در دو بخش موسیقی و تصویربرداری توانست عنوان برتر کسب کند.
در بخش موسیقی به اکبر ابراهیمی و در تصویربرداری به صورت مشترک به رامتین بالف و رشاد بالف تندیس جشنواره تعلق گرفت.
همچنین آخرین کوسه نهنگ در کنار پنج مستند دیگر از نگاه تماشاگران جشنواره سینما حقیقت به عنوان اثر برتر انتخاب شده بود.
این مستند در ۶۵ دقیقه با موضوع محیط زیست دریایی خلیج‌فارس توسط کارگاه فیلم‌سازی برادران بالف و مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی تولید شده است.
رامتین بالف درباره مستند جدیدش با نام «آخرین کوسه نهنگ» گفت: این مستند روایت شاعرانه ماجرای یک کوسه نهنگ است که به دنبال عشقش در دریا می گردد و خانواده‌اش را گم کرده است. در حقیقت این مستند ما را با ابعاد مختلف و اتفاقاتی که در دریا می‌افتد، همراه می‌کند و همچنین زندگی آبزیان و رنج‌هایی که دریانوردان در دریا با آن روبه‌رو می‌شوند مثل حوادث دریایی را نشان می‌دهد.
وی بیان کرد: کوسه نهنگ در لابه‌لای حوادثی که وجود دارد تا انتها می‌رود، مخاطب با دیدن این مستند به تماشای آلودگی‌های نفتی و دریایی هم می‌نشیند.



بالف یادآور شد: فیلمبرداری مستند «آخرین کوسه نهنگ» حدود ۶ سال زمان برد.
عوامل مستند «آخرین کوسه نهنگ» عبارتند از نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده: رامتین بالف، فیلمبردار، تدوینگر و صداگذار: رشاد بالف، دستیار فیلمبردار: کوشیار یزدانی، مدیر تولید: عباس مطاف و دستیار تهیه: معصومه شهریاری، تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی.
رامتین بالف همچنین ساخت مستندهای «رودخانه‌های لیان»، «روی پوست نهنگ»، «نای بست»، «فراموش خانه»، «قطرات بلورین» و ... را برعهده داشته است.

اگر این بدعت ادامه پیدا کند شاهد مرگ رکن چهارم دموکراسی خواهیم بود

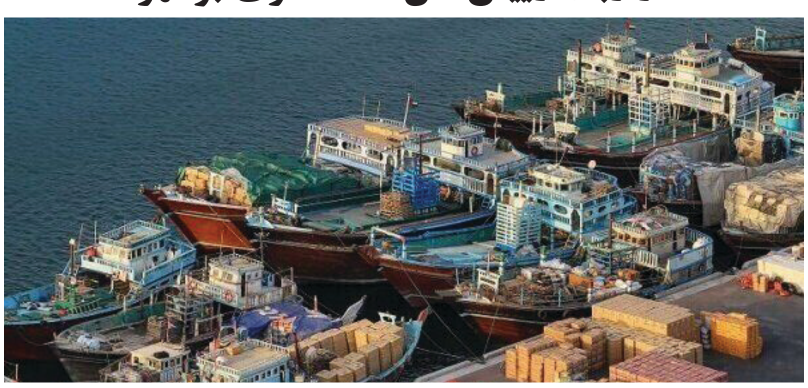
افکار عمومی منتظر واکنش استاندار و مدیرکل ارشاد هستند

سایت خبری تحلیلی صدای استان: به گزارش«صدای استان»؛ تامین اجتماعی استان بوشهر در یک اقدام زشت و زننده، نشریه نسیم جنوب را زاویه‌دار با دولت و نظام دانسته و دستور داده این نشریه را جمع‌آوری و امحا کنند!
این نامه بحث‌برانگیز که بازتاب گسترده‌ای در کشور داشته، با واکنش‌هایی در رسانه‌های ملی همراه بوده است. سکوت مطلق «بازدرهوا» مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر در مقابل این آبروریزی هم جای سوال دارد که چرا تاکنون واکنشی نسبت به این موضوع نشان نداده یا رئیس بازرسی را عزل نکرده است.
این نامه نشان می‌دهد مدیرکل تامین اجتماعی، آن قدر ناتوان است که مدیر زیردست می‌تواند بدون اطلاع آن چنین دستوراتی دهد که در حیطه اختیارات رییس بازرسی نبوده و باعث شود با آبروی استان بوشهر بازی شود. اگر با هماهنگی مدیرکل تامین اجتماعی این نامه نگاشته شده، باید میرهاشم موسوی مدیرعامل تامین اجتماعی کشور، مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر را برکنار کند تا دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم.
افکار عمومی منتظر واکنش مدیرکل ارشاد به عنوان متولی و حامی رسانه‌ها و برخورد استاندار بوشهر با چنین مدیرانی هستند تا دیگر چنین اتفاقاتی در سطح استان رخ ندهد که اگر این بدعت ادامه پیدا کند شاهد مرگ رکن چهارم دموکراسی خواهیم بود.

فراهم شدن زمینه سرمایه گذاری ۲۴۰۰ میلیارد تومانی در بندر بوشهر

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: با امضا تفاهم نامه با بخش خصوصی زمینه برای سرمایه گذاری ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در مجتمع بندری نگین فراهم شده است.
به گزارش خبرنگار ایرنا، محمد شکیبی نسب در نشست شورای عالی سازمان بنادر و دریانوردی که با حضور نورایی نماینده تام الاختیار وزیر راه و شهرسازی و علامه عضو هیات عامل و معاون برنامه ریزی، توسعه مدیریت و منابع سازمان بنادر و دریانوردی در بندر بوشهر برگزار شد، اظهار کرد: برگزاری شورای عالی سازمان بنادر و دریانوردی در این استان فرصتی مغتنم است تا در تداوم نگاه حمایتی سازمان نیازها شناسایی و برای رفع آنها گام اساسی برداشته شود.
وی یادآورشد: استان بوشهر با ۹۶۷ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس ۱۱ بندر تجاری دارد که در این شاخص از حیث تعداد دارای بیشترین بندر تجاری در کشور است. در جنوب کشور ۲هزار و ۶۰۰ موتورلنج تجاری وجود دارد که از این شمار یکهزار و ۸۹۰ فروند آن در استان بوشهر واقع است.
شکیبی نسب ادامه داد: با نگاه ویژه و قابل تقدیر سازمان بنادر و دریانوردی اکنون ۹۲ طرح در بنادر استان بوشهر در دست احداث و یا مطالعه است به نحوی که اکثر بنادر به کارگاه عمرانی تبدیل شدند.
وی افزود: در طرح توسعه بندر بوشهر در مجتمع بندری نگین طرح های زیرساختی مشتمل بر جاده دسترسی، تاسیسات زیربنایی، پایانه صادرات مواد معدنی و اسکله پایانه کانتینری عملیاتی شده است.

نحوه رفع مشکل واردات کالای ته‌لنجی از زبان رییس کل دادگستری بوشهر



رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: مسئله واردات کالای ته‌لنجی (همراه ملوان) در مسیر تبدیل به مشکلی امنیتی برای استان شده بود که در نشستی چهار نفره و با دستور ویژه رئیس جمهور سامان پیدا کرده است.
مهدی مهرانگیز در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: محدودیت واردات کالای ته‌لنجی تا جایی پیش رفت که برخی از کسبه در بندر گناوه به مدت نزدیک به سه هفته فعالیت‌های خود را تعطیل کرده بودند.
وی بیان کرد: در نشستی که در دادستانی کل کشور با حضور معاون سیاسی و امنیتی دادستان، نماینده رئیس جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، استاندار و رییس کل دادگستری استان بوشهر تشکیل شده بود برای گره‌گشایی از حل مشکلات مردم استان بوشهر تدبیر به عمل آمد.
رئیس کل دادگستری استان بوشهر تصریح کرد: اگر این جلسه در دادستانی تشکیل نمی شد، امکان رفع مشکل ته لنجی نیز در استان همچنان وجود داشت اما با شکل گیری این نشست و با دستوری که رئیس جمهور داده بودند این مشکل اکنون رفع شده است.
مهرانگیز یادآور شد: برای واردات ته لنجی اکنون ۲ مجوز سفر صادر شده و ظرفیت واردات این کالاها از ۶۰ به ۷۵ تن افزایش پیدا کرده است.
وی اضافه کرد: برای ۱۵ تن مازاد هزینه آن به صورت نیمه دولتی (برای هر تن ۶۵ میلیون تومان) تعیین شده است.
رییس کل دادگستری استان بوشهر عنوان کرد: در این استان حدود ۲۰۰ هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در حوزه کالای ته لنجی اشتغال دارند.

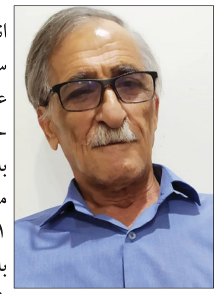
صدور اولین پروانه بهره‌برداری شناور گردشگری کشور در استان بوشهر



معاون گردشگری و سرمایه‌گذاری استان بوشهر از صدور اولین پروانه بهره‌برداری شناور گردشگری کشور در استان بوشهر خبر داد.
وحید جمالی با اعلام این خبر گفت: برای اولین بار در کشور، پروانه بهره‌برداری شناور گردشگری، با عنوان مرکز گردشگری تفریحی ساحلی و دریایی صادر شد.
معاون گردشگری و سرمایه‌گذاری استان بوشهر افزود: با توجه به مشکلات موجود در سامانه‌های وزارت متبوع، سازمان بنادر و دریانوردی و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در خصوص ثبت شناور و کد شناسایی واحد، امکان صدور چنین پروانه‌ای وجود نداشت و در گذشته تمامی مجوزها به طور سنتی و موقت صادر می‌شد.
او ادامه داد: با پیگیری وزارت و همکاران در اداره‌کل متبوع، این مهم تحقق پیدا کرد و اولین پروانه بهره‌برداری برای شناور آلباتروس در درگاه ملی مجوزها صادر شد.
جمالی در پایان بیان کرد: این شناور تفریحی در ۲ طبقه و با ظرفیت ۱۵ نفر، می‌تواند در محدوده ۲ مایلی آب‌های ساحلی در دریا خدمات گردشگری ارائه کند .

چند نکته درباره یک نامه غیرقانونی

قاسم محمدی



انتشار نامه مدیر بازرسی سازمان تامین اجتماعی بر علیه هفته‌نامه نسیم جنوب، حاوی چند نکته هست که به طور خلاصه به آن اشاره می‌شود:

۱. بنظر می‌رسد برای اولین بار است که یک اداره خدمات دولتی در یک نامه مکتوب اداری، در مقام مدعی العموم و دادستان و قاضی و مجری احکام در برابر یک روزنامه قانونی و رسمی کشور قرار می گیرد و نخست اتهام زاویه دار بودن این روزنامه با دولت و نظام می‌زند، سپس این اتهام را تایید می کند و بعد حکم به جمع‌آوری و از بین بردن و برخورد با توزیع کنندگان می‌دهد و سپس دستور اجرای حکم می‌دهد!

۲- بنظر می‌رسد که موضوع این نامه اداری، فراتر از یک مدیر و یک اداره در استان باشد و احتمالا از بیرون از استان کلید این برخورد با نسیم جنوب زده شده باشد، این فرض هنگامی قوت می گیرد که رونوشت این نامه به مشاور مدیرعامل تامین اجتماعی کشور و مدیرکل بازرسی این سازمان در پایتخت، زده شده است و در همین رونوشت اشاره شده به تماس تلفنی که برای همین منظور انجام گرفته است.

۳- نکته عجیب دیگر لحن دستوری نامه از رئیس یک بخش از اداره خطاب به مدیرکل آن اداره هست که از وی می‌خواهد که دستور برخورد و جمع‌آوری و از بین بردن نسیم جنوب را بدهد و مدیرکل نیز در پارافی خواستار پیگیری موضوع توسط حراست می‌شود!

۴- نکته عجیب دیگر غلط‌های املایی و دستوری این نامه اداری است، این که برای اشاره به یک هفته نامه، از صفت جمع تعدادی از مجلات و هفته‌نامه‌ها، استفاده شده است، اینکه کلمه «گزارش»، فارسی هست و با «ات» جمع بسته نمی‌شود، این که «دریافتی» و «واصله» مترادف و هم معنی هستند و پشت سر هم نمی‌آیند، این که فرق مجله را با روزنامه ندانی و عنوان نامه را توزیع مجلات بنویسی اما در اصل روزنامه توزیع شده است، این که درج خبر در یک روزنامه را انعکاس بدانی، و این که حتی پرانتز بسته را هم درست نوشته نشده و هر دو پرانتز آخر نامه باز هستند و... این همه اشتباه هم در یک نامه پنج شش سطری، هم جای تعجب دارد و هم جای تأسف که چه بر سر ادبیات در ادارات ما آمده است!

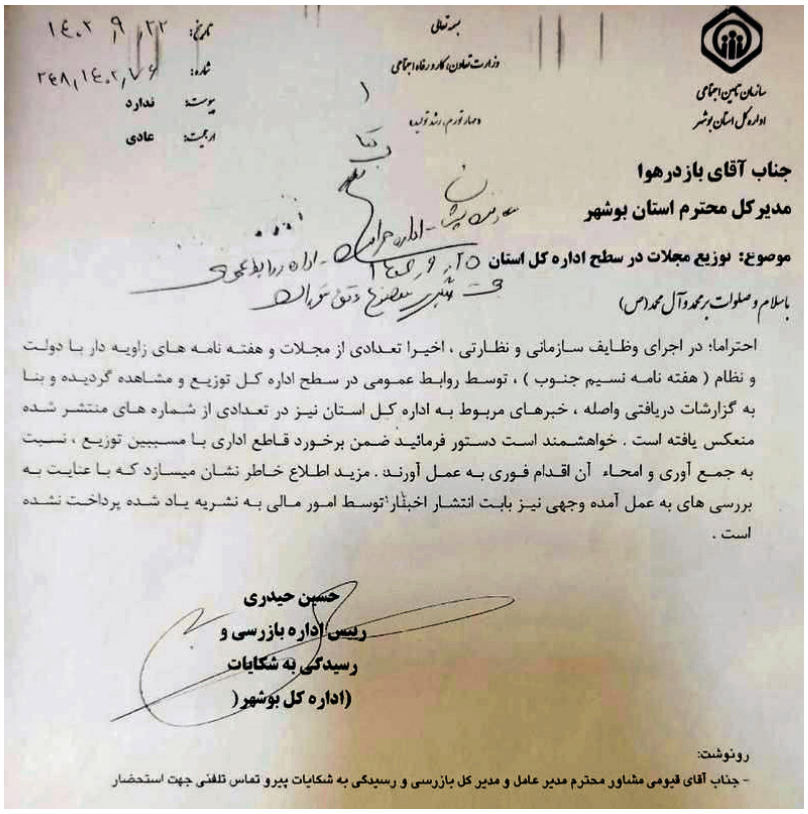
۵- نمی‌دانم ذهنیت این مدیران نسبت به قدیمی‌ترین و باسابقه ترین نشریه استان بوشهر که در سطح کشور هم شناخته شده است، چیست که همان طور که در نامه ذکر شده، علیرغم این که به طور رایگان خبرهای آن اداره و مصاحبه مدیرکل را منتشر کرده (در حالی که برخی از رسانه‌های اصولگرا برای انتشار همین اخبار، فاکتور چند میلیون تومانی صادر می کنند)، چنین ترسیده و دستور به برخورد و جمع‌آوری و از بین بردن نسیم جنوب داده‌اند! شاید هم این نشریه محلی که روی دکه هم بفروش می‌رسد با شب‌نامه‌های سرویس‌های خارجی اشتباه گرفته‌اند که این گونه ترس برشان داشته است!

۶- نکته دیگر این است که احتمالا مدیری که چنین نامه تند و دستور شدیدی را بر علیه نسیم جنوب داده است، اصلا این هفته نامه را ندیده و نخوانده است چرا که در نامه هم اشاره می کند به «گزارشات واصله دریافتی» مبنی بر درج اخبار آن اداره در این نشریه و احتمالا حتی زحمت دیدن و خواندن نشریه را هم نکشیده و چشم بسته و بدون بررسی و تحقیق حکم به جمع‌آوری و از بین بردن این هفته نامه داده است.

به بهانه دستور یک مسؤول دولتی برای امحای نشریه نسیم جنوب

دولت الزاما مساوی با نظام نیست

سروش بامداد



بسمه تعالی
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
سازمان تامین اجتماعی
اداره کل استان بوشهر
دهه مهار تورم، رشد تولید
تاریخ: ۱۴۰۲/۹/۲۲
شماره: ۳۴۸/۱۴۰۲/۷۶
پیوست: ندارد
فوریت: عادی

جناب آقای بازدرهوا
مدیرکل محترم استان بوشهر

موضوع: توزیع مجلات در سطح اداره کل استان

باسلام و صلوات بر محمد و آل محمد(ص)

احتراما؛ در اجرای وظایف سازمانی و نظارتی، اخیرا تعدادی از مجلات و هفته نامه های زاویه دار با دولت و نظام (هفته نامه نسیم جنوب) ، توسط روابط عمومی در سطح اداره کل توزیع و مشاهده گردیده و بنا به گزارشات دریافتی واصله ، خبرهای مربوط به اداره کل استان نیز در تعدادی از شماره های منتشر شده منعکس یافته است . خواهشمند است دستور فرمائید ضمن برخورد قاطع اداری با مسببین توزیع ، نسبت به جمع آوری و امحاء آن اقدام فوری به عمل آورند . مزید اطلاع خاطر نشان میسازد که با عنایت به بررسی های به عمل آمده وجهی نیز بابت انتشار اخبار توسط امور مالی به نشریه یاد شده پرداخت نشده است .

حسین حیدری
رییس اداره بازرسی و
رسیدگی به شکایات
(اداره کل بوشهر (

رونوشت:
- جناب آقای قیومی مشاور محترم مدیر عامل و مدیر کل بازرسی و رسیدگی به شکایات پیرو تماس تلفنی جهت استحضار

عصر ایران؛ کانال مفید «روزنامه‌نگاری جدید» تصویر نامه‌ای را منتشر کرده که در آن یک مقام تأمین اجتماعی استان بوشهر خواستار جمع‌آوری و از بین‌بردن هفته‌نامهٔ استانی «نسیم جنوب» شده و دلیل آن را «زاویه‌دار بودن نشریه با دولت و نظام» اعلام کرده است. آن هم درست در روزهایی که این نشریه هزارمین شماره خود را منتشر کرده است.

نامه به امضای «رییس ادارهٔ بازرسی و رسیدگی به شکایات اداره کل تامین اجتماعی استان» رسیده و تا لحظهٔ تحریر این مطلب خبری دایر بر واکنش مدیر کل ارشاد استان یا مقامات بالاتر منتشر نشده حال آن که نشریه یک محصول فرهنگی است و با مجوز رسمی منتشر می‌شود و اگر موردی وجود داشته باشد هیأت نظارت بر مطبوعات تذکر شفاهی یا کتبی می‌دهد و دستور امحا و جمع‌آوری در صلاحیت رییس بازرسی یک اداره نیست.

شاید گفته شود در سطح ادارات تابع است نه بیرون و اختیار درون را دارند ولی این استدلال هم پذیرفتنی نیست. چرا که اگر پرسنل و مدیران حس کنند رصد می‌شوند و در بهبود رفتار خود می کوشند.

به عبارت دیگر یک شورای فراقوه‌ای به نام هیأت نظارت بر مطبوعات مجوزی صادر می‌کند و همین که در عصر عسرت مطبوعات هنوز عده‌ای با تحمل زیان رنج و دردسر نشر را به جان می‌خرند شایان تقدیر است. آن وقت یک مقام محلی به خود اجازه می‌دهد محتوای نشریه‌ای را زاویه‌دار با دولت و نظام تشخیص دهد و دستور جمع‌آوری صادر کند در حالی که چنین امری در صلاحیت یک مقام اجرایی نیست و قرار است بازرسی ناظر به امور دیگر باشد.

نکتهٔ اصلی و بهانهٔ این یادداشت اما موضوعی دیگر و کلان‌تر است و آن هم این‌که در این نامه دولت را مساوی و مساوق با نظام دانسته است. در حالی که دولت‌ها می‌آیند و می‌روند و انتقاد از دولت هرگز به معنی مقابله با نظام نیست. حتی این دیدگاه درباره دولت مورد حمایت مستقیم مرحوم امام در دهه ۶۰ وجود نداشته کما این که نسب اصول گرایان امروزی به منتقدان همان دولت می‌رسد.

مساوی دانستن دولت با نظام روی دیگر سکه یکسان دانستن اعتراض به «رفتار» با «ساختار» است و هر دو برای امنیت جامعه زیان‌بار.

سال ۸۸ در حاشیه همایشی دربارهٔ اتفاقات پسا انتخابات همین امر را با یک مقام عالی رتبه مطرح کردم و بسیار استقبال کرد و خواست موضوع را در پنل به بحث بگذارم و البته مجالی فراهم نیامد.

یکسان نگاری دولت با نظام و رفتار با ساختار بسیار مخاطره آفرین است. زیرا اگر مردم از تغییر با تغییر دولت‌ها ناامید شوند نقد خود را متوجه ساختار می‌کنند و از این منظر یکسان‌انگاری دولت با نظام شاید در کوتاه مدت به نفع دولت مستقر باشد تا انتقاد را در نطفه خفه کند اما قطعا به سود نظام سیاسی نیست.

به یادآوریم در دهه های ۲۰ و ۳۰ و حتی ۴۰ خورشیدی با تغییر دولت‌ها فضای سیاسی تغییر می‌کرد ولی در سال ۵۷ تغییر پیاپی چند دولت افاقه نکرد. چرا؟ چون امیر عباس هویدا برای دولت شأن مستقل قایل نبود و دولت مفهوم قبلی خود را از دست داد.

پس در این قضیه اولا مطابق قانون اساسی هیچ مقامی حق تحدید و تهدید آزادی‌های قانونی را ندارد و اقدام او مصداق تخلف است ثانیا زاویه داشتن با دولت به معنی زاویه داشتن با نظام نیست و اساسا جرمی به نام زاویه با دولت تعریف نشده است و به فرض که چنین باشد تشخیص آن با رییس اداره بازرسی نیست.

شگفتا که دولت، روزنامه و این همه خبرگزاری و هر وزارتخانه سایت دارد و چند خبرگزاری سابقا منتقد دولت سابق هم ستاینده و گاه مداح دولت فعلی شده اند و صدا و سیما هم از بام تا شام در حال تعریف و تمجید از دولت است و سیراب نمی شوند و انتظار دارند یک هفته نامه محلی هم سخنی ننویسد که به تریج قبایشان بربخورد!

زندگی آگاهانه

ترس از شکست

حسین زیرراهی - مدرس توسعه فردی



اگر شکست بخورم چه؟ این احتمالا اولین سوالی است که وقتی می‌خواهیم دست به اقدام جدیدی بزنیم در ذهن ما شکل می‌گیرد. آمار شکست‌های انسان‌ها در مقابل موفقیت‌هایشان نشان می‌دهد این ترسی بیجا هم نیست. چون همیشه تعداد شکست‌ها بیشتر از موفقیت‌ها است. ولی دقیقا کسانی که بزرگترین موفقیت‌ها را بدست آورده بیشترین شکست را خورده‌اند. این یعنی بدون شکست موفقیتی هم در کار نیست. دیگر این که حتی این افراد هم از شکست می‌ترسیده‌اند. ولی بر ترس خود پا گذاشته و اقدام کرده‌اند.

موفقیت موضوعی نسبی است و همیشه افراد موفق به نسبت بقیه جامعه سنجیده می‌شوند. یکی از دلایلی که خیلی‌ها نمی‌توانند موفق شوند این است که توانایی تحمل شکست را ندارند. می‌خواهند در اولین تلاش موفق شوند. خب اگر چنین چیزی میسر بود که همه آن را انجام می‌دادند و دیگر موفقیت به حساب نمی‌آمد. بنابراین دوست عزیزم اگر می‌خواهی در زندگی موفق باشی باید توانایی پذیرش شکست را در خود بالا ببری. در ادبیات موفقیت فقط یک شکست وجود دارد و آن هم تلاش نکردن است. بقیه شکست‌ها تجربه و یادگیری است.

ترس از شکست هم از منابع بیرونی در ما ایجاد می‌شود و هم از طریق طرز فکر و نگرش خودمان. نخست والدین انتقادجو باعث ترس بچه‌ها از اقدام کردن می‌شوند. اگر انجام ناقص کارها را از فرزندان‌مان نپذیریم از شکست در کارهای‌شان می‌ترسند. سیستم آموزشی تنبیه‌گر هم دومین تشدیدکننده ترس از شکست است. شاگردی که به دلیل نمره پایین یا ناتوانی در پاسخ دادن تنبیه می‌شود انگیزه ادامه دادن را از دست می‌دهد. اگر سیستم آموزشی به تلاش و بهبود نمره دهد شاگردی که از نمره ۵ به ۹ رسیده است تشویق می‌شود. او با این‌که همچنان نمره قبولی نیاورده احساس شکست نمی‌کند و به تلاشش ادامه می‌دهد. سومین منبع ایجاد ترس از شکست رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها با نمایش انسان‌های کامل و بی‌عیب و نقص و همین‌طور نشان دادن نقص در مخاطب برای فروش کالا و خدمات تبلیغات‌شده باعث تشدید ترس از شکست در آن‌ها می‌شوند.

منبع درونی ترس از شکست شامل میل ما به دریافت تایید دیگران و دل بستن به هدف‌های بیرونی است. اگر دنبال تایید گرفتن از دیگران باشیم سعی می‌کنیم تلاش‌های ناموفق‌مان را از آن‌ها مخفی کنیم. وقتی دوست نداریم مردم شکست‌مان را ببینند در نتیجه دست به عمل هم نمی‌زنیم. اهداف بیرونی هم به دلیل احتمال عدم تحقق ترس از شکست را در ما بالا می‌برد. اگر به جای دل بستن به موفقیت در رسیدن به اهداف به این توجه کنیم که چقدر رشد کرده‌ایم کمتر از شکست‌ها می‌ترسیم. مثلا بدنسازی که در مسابقه مدال نیاورده است اگر به تفاوت بدن خود نسبت به زمان شروع نگاه کند این شکست برایش نوعی موفقیت به حساب می‌آید. چطور با وجود ترس از شکست به تلاش خود ادامه دهیم؟ ابتدا باید این باور را در خود ایجاد کنیم که درد و رنج و ناامیدی بخشی از مسیر موفقیت است. شکست‌ها باعث می‌شود قوی‌تر، انعطاف‌پذیرتر و سپاسگزارتر شویم. دوم اینکه ترس را در وجود خود انکار نکنیم، آن را بپذیریم و با وجود ترس به جلو حرکت کنیم. بترس ولی انجامش بده!

در جست وجویِ زمانی برای زندگیِ دوباره

ناصر علیخواه

هر که سیمای راستان دارد
سرِ خدمت بر آستان دارد (حضرت سعدی)

«ماشینِ زمان»؛ ماشینی که انسان همیشه در آرزوی ساخت آن بود تا بتواند با آن به هر زمانی که می‌خواهد سفر کند. فرقی نمی کرد گذشته یا آینده. سفر در زمان، به مددِ کتاب‌ها و آدم‌هایی که در زندگی هر کسی هست می‌تواند صورت بگیرد؛ سفرهایی که در آن لذت و آگاهی، توامان است؛ سفری بدونِ مرز، در جستوجویِ معنای زندگی.

در سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰، که نه ماشین چندانی بود و نه رسانه‌ای، خیالِ ما بهترین ماشین و رسانه بود که می‌توانست از هر مرز و دیواری بگذرد و هر آن‌چه می‌خواستی خیال کنی و بسازی... یکی از همین خیال‌های قشنگ که با



ترانه‌ای محلی نیز همراه شده بود، «ماشین مشتی مَمدلی» بود. اصل ماجرا برمی‌گردد به تهران دهه‌ی بیست و سی. مشهدی محمدعلی یکی از پولدارهای معروف تهران بود که از او به عنوان صاحب یکی از تعداد انگشت‌شمار ماشین‌های وارداتی به ایران اسم می‌برند. گفته‌اند زمانی که هنوز خیابان‌های تهران سنگفرش یا حتی خاکی بود، او صاحب یک اتومبیل «استن» انگلیسی بوده که شبیه وَنهای امروزی خودمان بوده است. از آن‌جا که راننده‌ی مَشتی مَمدلی در خیابان‌های پردست‌انداز تهران مسافرکشی می کرده، به ماشینِ مَشتی مَمدلی معروف شد. و نیز گفته‌اند که مرحوم مشتیِ ممدلی، از بس که خسیس بود هیچ به سروروضع ماشین مسافرکش خود رسیدگی نمی‌کرده و همیشه صندلی‌هایش تقتق می کرده و بوق آن از کار افتاده بوده و چراغ و اینجور وسایل ضروری هم نداشته است. سپرها و گلگیرهایش هم آن‌قدر لق و آویزان بوده که به محض عبور از هر گذرگاه مردم گوش خود را از دست سروصدای ماشین مَشتی ممدلی، می‌گرفتند. و بعد از آن بود که هر کس به اتومبیل خود رسیدگی نمی‌کرد، لقبِ «ماشین مشتی ممدلی» به او می‌دادند. و این ضرب‌المَثل آن روزهای تهران و کمکم همه‌ی ایرانی‌ها شد، از جمله بوشهر کوچولوی ما.

ماشینِ زمانِ من نوع دیگری از ماشین مشدی ممدلی است؛ با این تفاوت که ماشین من، پر از «نوستالژی»، «یاد»، «خاطره» و «تجربه» است؛ مسافران برگزیده‌ی ماشینِ زمانِ من، بهترین آدم‌ها و کتاب‌های هشتادوچهار سال زندگیِ من است که از سال ۱۳۱۸، دوره‌ی رضاشاهی، آغاز شده و با دوره‌ی محمدرضاشاهی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه یافت و به انقلاب ۵۷ رسید و دوران جنگ را از نزدیک تجربه کرد و حالا وارد قرن پانزدهم خورشیدی شده است؛ دوره‌ی جدید زیستِ انسانِ ایرانی که خواهانِ بازگشت کرامتِ انسانی‌اش است. و نمی‌دانم این ماشینِ زمان، مرا با شوخوشنگی و طنازیاش که از رادیوی آن صدای جواد بدیع‌زاده و ترانه‌ی ماشین مشتی ممدلی پخش می‌شود، تا کجا خواهد برد:

ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی
این اتولی که من میگم، فورد قدیم لاریه
رفتن توی این اتول، باعث شرم‌ساریه
نه بابِ کورس شهریه، نه قابل سواریه
بار کَشیده بس که از، قزوین و رشت و انزلی
ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی
ماشین مشدی ممدلی، صندل‌یاش فنر داره
بلیت فروشی مشدی، و شوفر بی‌هنر داره
بهر مسافرینِ خود، زحمت و دردسر داره
رفتن با اتولَ بود، باعث کوری و شلی
ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی
مسافر از بوی اتول، تا می‌شینه کسل می‌شه
از متلک شنیدن و بورشدن خجل می‌شه
بس که فشار به او میاد، دچار دردِدل می‌شه
پاره شد لباس اگر، گیر کند به صَندلی
ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی
این اتولی که از قفس، تنگتر و کوچیک‌تره
جای چهل مسافر، گنده و چاق و لاغره
شوفره بس که ناشیه، اتول همیشه پنچره
راه نرفته در نیره، لاستیکِ چرخِ اوّلی
ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی
این اتولِ شکسته از، سیستم قدیمیه
تایر اونَ قراضه و، پیستون اون لحیمیه
شوفره دائما پی لودهگری و لیمیه
سربالایی نمی کشه، مگر با خیلی معطلی
بس که ماشالا محکمه، راه نرفته پنچره
از حلبی شکسته‌ها، ساخته مبل و صندلی
ماشین مشدی ممدلی، ارزون و بی‌معطلی

حالا در آستانه‌ی هشتادوچهار سالگی، همه‌ی شما را از چهار گوشه‌ی ایران‌زمین، دعوت می کنم با ترانه‌ی ماشین مَشتی مَمدلی که از رادیوی خودرو پخش می‌شود، سوارِ ماشینِ زمانِ من شوید با آدم‌ها و کتاب‌های زندگیام که مجموعاً به عدد پنجاه‌ودو رسیده است، قصه‌هایی تازه بشنویم از آموزگاری که سی سال از آدم‌ها و کتاب‌ها با دانش‌آموزانش گفت:

بیاد بعضی نفرات/ روشنم می‌دارد/ قوّتم می‌بخشد /رَه می‌اندازد / و اجاقِ کهنِ سردِ سَرایم / گرم می‌آید از گرمیِ عالی دمشان / نام بعضی نفرات / رزقِ روحم شده است /وقتِ هر دلتنگی / سویشان دارم دست / جراتم می‌بخشد /روشنم میدارد...

این یادهای روشن به قولِ نیما یوشیج، برای من در هیاتِ آدم‌ها و کتاب تصویر می‌شود؛ هر آدم و کتاب در دلِ خود «قصه»ای دارد؛ و هر قصه با خود نگاه و حرف و اندیشه‌ای تازه، که دریچه‌ای جدید برای ما رو به دنیا باز می‌کند برای یک زندگی بهتر و زیباتر... از این روی است که می‌توان گفت حیاتِ مردانِ نامی، می‌آموزدمان که سربلند و شکوهمند زندگی کنیم؛ چراکه شجاعت و جسارت خلاقیتی است که جانمایه‌ی آدم‌های خاص است برای آفرینشی نو؛ این همان چیزی است که فروغ فرخزاد نیز به زیبایی آن را تصویر کرده است:

یک پنجره برای دیدن /
یک پنجره برای شنیدن
یک پنجره که مثل حلقه‌ی چاهی
در انتهای خود به قلبِ زمین می‌رسد
و باز می‌شود به سوی وسعتِ این مهربانیِ مکررِ آبی رنگ
یک پنجره که دست‌های کوچک تنهایی را
از بخششِ شبانه‌ی عطرِ ستاره‌های کریم
سرشار می‌کند.
و می‌شود از آن‌جا
خورشید را به غربتِ گل‌های شمعدانی مهمان کرد
یک پنجره برای من کافی است...

دیدن از چشم پدر

مونا علیخواه



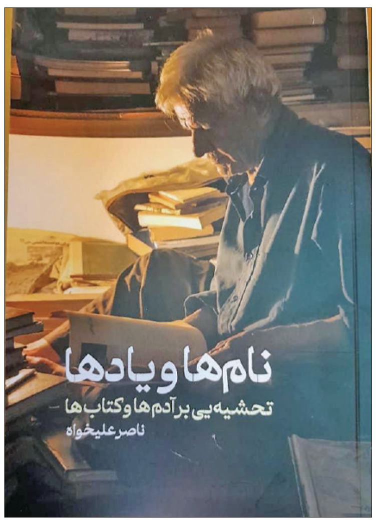
گوش کن با لب خاموش سخن می گویم
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست...

همیشه و درهمه حال، هم کلام شدن با پدر برای من لبِ خاموش می‌طلبید و من همیشه منتظرِ دریافت نگاه و پیام پدر بودم... در اینِ خموشیِ «مولانا»وار، «خموشید، خموشید، خموشی دمِ مَرگ است/ هم از زندگی اَست اینک، ز خاموش نفیرید»، اینطور صدایشَ می‌زدیم: «پدر».

در سال‌های اخیر که فاصلهی بین من و او، از بوشهر تا آمستردام، هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد، این بی‌صدایی دلتنگ‌ترم می‌کرد. در این فاصله‌ی «خموشی»وار، «بابا» و «بابایی» صدایش می‌کردم و کمکم که فاصله‌ی دیدارهای‌مان زیاد شد تا آخرین دیدارمان که در ۵ خرداد ۱۴۰۲ در قونیه آرامگاه حضرت مولانا بود، از «پدر، بابا، بابایی» رسیدم به «بوآ»؛ با لهجه‌ی شیرین بوشهری که هنوز با خودم در هلند در کنار دخترم ملودی و همسرم نوید، دارمش.

هنوز هم مثل آن روزها که کودکی هفت ساله بودم، وقت‌هایی در هلند پیدا می‌کنم که برایش کودک می‌شوم تا دوباره دنیا را از چشم او ببینم. صدایش می‌زنم: «بوآ»؛ و او همان پدرِ جوانِ سال‌های معلمی‌اش می‌شود و من دختر هَفت ساله‌ی او که دلش برای دیدن از چشم‌های پدرش لک زده است. حالا دستش را گرفته‌ام. اینجا بوشهر است. گرماگرم جنگ. دست‌هایش زمین- بزرگ و وسیع. آن قدر بزرگ که با دو دستش دستِ همه‌ی بچه‌هایش را می‌گیرد: مریم، ونوس، من، امین، و بعدتر که فاطمه و حسین هم به دنیا آمدند. با پیکان آلبالویی می‌رساندمان به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ جایی که بخشی از شخصیتِ ما در آن شکل گرفت تا در نگاه کردن به دنیا، بهترین و زیباترین زاویه را انتخاب کنیم برای دیدن، حرف زدن، ثبت کردن، نوشتن، نقاشی کردن، نواختن، رقصیدن و یک زندگیِ مدام یا به تعبیر حافظ عیش مدام...

یکی از روزها که سوارِ پیکان آلبالویی بودیم، رادیو را روشن کرد. خبر آزادی خرمشهر که از رادیو پخش شد، دیدم سرعت ماشین کم شد و بعد ایستاد. اشک شوق از چشمهایش سرازیر شد. اشک‌هایش بی‌صدا می‌بارید روی فرمان. از توی آینه‌ی وسط، می‌توانستم چشم‌هایش را ببینم که نگاه نمی‌کرد، می‌دید. او همیشه می‌دید. چیزهایی را که کمتر کسی به آن دقت می‌کرد. از همان «دیدن» بود که سال نو رفتیم خرمشهر. از کنار تابلوی ورودی شهر که رویش نوشته شده بود «به خرمشهر خوش آمدید؛ جمعیت ۳۶ میلیون نفر» گذشتیم و بعد تا چشم کار می‌کرد، خرابی بود و ویرانی و مردمی که در جستوجوی گمشده یا خانه‌شان می‌دویدند. پدر با دیدن مردم گفت: «می‌بینید؟!» اول مادر گفت: «چی؟» و بعد مریم، ونوس، من، امین، فاطمه، و حسین. و پدر با آرامش گفت: «امید را.» پشتِ آن امیدِ نادیدنی که او می‌دیدش، صدایش را می‌شنیدیم: «خانه‌مان آزاد شد، کشورمان آزاد شد، الهی دورت بگردم مام میهن...»؛ آن جا بود که فهمیدم چگونه می‌توانَ به دنیا نگاه کرد که از میانِ آن دویدن‌ها و اضطراب‌ها و آشوب‌ها و سرگردانی‌ها، «امید» را دید. و من این دیدن را از چشم‌های پدری دارم که هنوز دنیا را با «امید» می‌بیند؛ درست مثل سانتیاگویِ «پیرمرد و دریا»ی همینگوی، که می گفت: «شاید خیلی چیزها نداشته باشم، اما هنوز مهم‌ترین چیز را دارم؛ امید.»



همین «دیدن» بود که مرا وامی‌داشت تا از چشم‌هایش برای دیدنِ دنیا استفاده کنم؛ چشم‌هایی در تلاقیِ نگاهِ مادرم با نگاهِ خودم، برای بهتردیدن و ثبت کردنِ لحَظه‌هایی که اسمش «زندگی» است... وَ با اینَ «زندگی»، پیش آمدم تا وقتی که در جایگاه یکَ عکاس، دوربین به دست گرفتم و از دریچه‌ی آن به دنیا نگاه می کردم. حالا من سه جفت چشم داشتم: پدر، مادر، و خودم. و این عمق و معنایِ بیشتری به دیدن و دنیایم می‌داد.

من در این «دَیدن»، که حالا در این فاصله‌ی بسیار زیاد از هلند تا ایران، شکل دیگری گرفته، ترکیبِ توامانِ دیدنِ پدر نسبت به دنیا را می‌بینم و دیدنِ مادرانه‌ی مادرم به زندگی، که حالا در میان مَا نیست؛ تلفیقِ این سه نگاه، در عکس‌های من، گوییِ پُرتره‌ای است از جنوبِ جادوییِ مشترک‌مان: جنوبی سرشَار از انسانیت، امید، عشق، زندگی، و فرهنگ و هنر و ادبیات فَارسی کَه هنوز از پس پنج دهه با خود دارمش. دیدن برای پدر، از خانواده، کتابخانه‌اش و سپس مدرسه و کوچه و خیابانَ شکل گرفته بود. از این رو نقش آدم‌ها و کتاب‌ها در زندگی‌اش پُررنگ بود. خدا می‌داند با چه قناعتی، از حقوق ناچیزِ معلمی‌اش می‌زد و کتاب می‌خرید؛ طوری‌که بچه‌هایش هیچ‌وقت احساس کمبود در زندگی نکنَند. کتاب حاضر تصویری است از هشت دهه زندگی «پدر- معلم»ی که با عشق زندگی کرد و در این زندگی، بی‌آن که چیزی را به دیگری تحمیل کند، یادمان داد «ببینیم» و در این دیدن‌ها، «بیاموزیم»؛ این مجموعه، حاصل دیدن‌ها و آموختن‌های او است در این دنیا، از آدم‌ها و کتاب‌ها؛ گویی همه این آدم‌ها و کتاب‌ها پیکره‌ی او بودند، آن طور که از زبانِ سعدی در «گلستان» که کتاب بالین‌اش بود، برای‌مان می گفت:

بنی آدم اعضای یک پیکرند / که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی

در پایان از دانش آموز سابقم خانم مالکی تشکر ویژه دارم که با تلاش و با دقت، دست‌نوشته‌های پدر را بازخوانی و تایپ نمود و امکان به سامان رساندن این کتاب را برای من فراهم کرد.

جامعه دستوری

دکتر سجاد بهزادی



«به تو دستور می‌دهم قیمت‌ها را کاهش دهید... به شما دستور می‌دهیم حجاب تان را رعایت کنید... دستور می‌دهم در عرض یک هفته قیمت دلار را کنترل کنید... دستور می‌دهیم فلان نشریه (نسیم جنوب) را جمع آوری و منهدم کنید.»

وقتی اجزاء یک سیستم حکمرانی کارکرد خود را از دست می‌دهد، حکمران‌ها به فکرحل دستوری مسئله‌ها می افتند. در این میان بداخلاقی آشکار می‌شود تا جایی که یک مدیر دولتی دستور به جمع‌آوری و منهدم کردن یک نشریه محلی می‌دهد.

قامت برخی مدیران این دولت چقدر کوچک شده است که خیر و نیک دولت متبوع خود را حتی نمی‌فهمند و هزینه‌هایی بی‌جهت بر دیگر هزینه‌ها درست می‌شود و جامعه را تشویش می‌کنند.

به نظر من اتهام تشویش افکار عمومی که پیش از این عموما برای روزنامه نگاران مطرح بود این بار دامن یک به اصطلاح مدیری را گرفته است که بدون دلیل منطقی و حکم قضایی و با یک دستور بی‌خردانه، ذهن جامعه را نسبت به یک نشریه مشوش کرده است.

در این دنیایی که مرزهای دانش و آگاهی بی‌منتهاست، دولت باید رنجیره مدیران ناآگاه خود را در یک جایی کنترل کند. مگر می‌شود با پاک کردن صورت مسئله و از بین بردن توزیع یک نشریه، آگاهی را متوقف کرد؟ قدرت متکی به قانون، جای قدرت‌های دستوری را بگیرد و جامعه ایران بیش از این ملتهب نشود.

«انقلاب کبیر» تأمین اجتماعی بوشهر

اسماعیل منصورنژاد



مسئول روابط عمومی تأمین اجتماعی استان بوشهر بر اساس این که «نسیم جنوب» یکی از هفته‌نامه‌های دیرپای بوشهر و یکی از مشهورترین‌ها است، چند خبر داده به «نسیم جنوب»، بعد هفته‌نامه‌ها را در اداره پخش می‌کرده و تمام.

اما همین که «رئیس ادارهٔ بازرسی و رسیدگی به شکایات» می‌فهمد، ناگهان «انقلاب کبیر» را آغاز کرده و به مدیرکل نامه می‌نویسد هرچه سریع‌تر دستور لازم برای «جمع‌آوری» و «محو» هفته‌نامه نسیم جنوب را صادر فرمایند؛ آن هم به جرم «زاویه‌داشتن با نظام و دولت».

نکتهٔ ماجرا این جاست که در آخر «انقلاب نامه» یادآوری فرموده «وجهی بابت درج اخبار به نسیم جنوب پرداخت نشده» و خیالتان راحت که ۳ و نیم میلیارد دلار ارز برای واردات چای به یونس قیصی‌زاده داده نشده است.

نه رسانه را می‌دانند نه سواد رسانه‌ای دارند

دکتر فرزان اسدی



پس از انتشار یک مطلب سخیف از یکی از مدیران دولتی در خصوص رسانه مستقل و قدیمی استان بوشهر مبنی بر جمع‌آوری و از بین بردن نشریه دیرپای نسیم جنوب به صرف انتشار اخباری مغایر با مزاج! ایشان، مطالبی گردآوری گردید و دوستانی دیگر هم مواضع به حقی گرفتند. جهت تنویر افکار پوسیده و متحجر بعضی از آقایان که نه از رسانه اطلاعی دارند و نه سواد رسانه را می دانند باید گفت :

آزادی رسانه‌ها، تنها منجر به افزایش آگاهی برای مردم و ارتقای توانمندی مردم نمی‌شود بلکه همزمان منجر به افزایش آگاهی حکومت و ارتقای توانمندی‌های آن هم می‌شود.

آزادی رسانه‌ها، یک ارزش جهانی جهان شمول است. ارزش‌های جهان شمول، محدود و مشخص هستند. موضوعاتی چون حقوق انسان، شفافیت، صلح، آزادی، حفظ کرامت انسان، آزادی، حفظ محیط زیست و تنوع زیستی، حفظ جان انسان‌ها، حق تعیین سرنوشت، حفظ میراث فرهنگی و تنوع فرهنگی از جمله ارزش‌های جهان شمول هستند. یعنی در سراسر جهان می‌توان از آنها دفاع کرد و فضیلت هستند.

در هیچ جای جهان نمی‌توان فرد یا دولتی را یافت که با این موارد مخالف علنی و صریح باشند. مثلا فرد یا دولتی به مخالفت با آزادی رسانه‌ها افتخار کند. آزادی رسانه‌ها یک چیز خوب است و مخالفت با آن یک چیز بد. در هیچ جای جهان کسی نمی‌تواند به صراحت با آزادی رسانه‌ها مخالفت کند زیرا یک ضدارزش است مانند دزدی، خشونت و سرقت، ننگ و رسوایی به بار می‌آورد. اشاره به این نکته مهم است که صحبت کردن از آزادی رسانه‌ها ولو به صورت نمایشی هم «مسوولیت‌آور» است. حال چگونه است که یک نفر مدیر دولتی چنین صحبت هایی می کند و آنرا نیز مکتوب می‌نماید، همانی است که بالاتر گفته شد، نه رسانه را می‌دانند نه سواد رسانه‌ای دارند وگرنه حداقل در عصر ارتباطات، گفتن و مکتوب کردن این چنین، به جز بی‌سوادی نیست.

نگاهی حقوقی به دستور یک مدیر دولتی برای ازبین بردن نسیم جنوب

زیبا هوشیار - وکیل دادگستری



«اصل ۲۴ قانون اساسی، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر این که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد.»

پیرو دستور رئیس بازرسی و رسیدگی به شکایات سازمان تامین اجتماعی بوشهر به مدیرکل آن سازمان، با موضوع جمع‌آوری و امحاء هفته نامه نسیم جنوب در آن اداره و برخورد قاطع با مسببین توزیع، لازم دیدم که اقدام بالا را از جنبه حقوقی مورد توجه قرار دهم.

هفته نامه نسیم جنوب، با دریافت مجوز قانونی و رسمی از مراجع مربوطه از سال ۱۳۷۶ تاکنون چاپ و منتشر گردیده و رسالت خود را در انتشار اخبار دولتی و غیر دولتی، مشکلات مردم استان و کوشش در رفع آنها، بالا بردن سطح دانش و معلومات مردم با چاپ مطالب ارزشمند و سایر اخبار و موضوعات مختلف در همه زمینه‌ها، به اثبات رسانیده است.

هفته نامه نسیم جنوب، یک نشریه قانونی و دارای مجوز و تحت نظارت، هیات نظارت بر مطبوعات می باشد، و هرگز از حیطه ی وظیفه خود تخطی ننموده است.

با توجه به این که هیات نظارت بر مطبوعات، یک سازمانی متشکل از اعضا وزارتخانه های مختلف و اقشار دیگر (قاضی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده او، نماینده مجلس، استاد دانشگاه،یکی از مدیران مسئول مطبوعات، یکی از اساتید حوزه علمیه و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی) می‌باشد، قطعا صلاحیت نشریه‌ای که مورد تایید این اعضا بوده، قانونی و انتشار آن منع قانونی ندارد و دستور امحاء آن، یعنی خلاف نظر این هیات عمل کردن هست، چه آن که اگر موردی برای امحاء و یا عدم انتشار آن وجود داشت، هیات نظارت این دستور را صادر می نمود.

براساس ماده ۳ قانون مطبوعات، مطبوعات حق دارند، نظرات، انتقادات سازنده و پیشنهادها و توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

و بر اساس ماده ۴ این قانون، هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب و یا مقاله‌ای در صدد فشار، بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات، مبادرت کند.

قابل ذکر است که مطلب چاپ شده در چند شماره نسیم جنوب، اخبار و مصاحبه مدیرکل سازمان تامین اجتماعی، بر گرفته از سامانه آن سازمان (بدون تغییر در آن) بوده است. بنابراین هیچ گونه خطا و خلافی و یا جهت‌گیری در این مطلب نبوده است که مورد غضب سازمان بازرسی تامین اجتماعی قرار گرفته است.

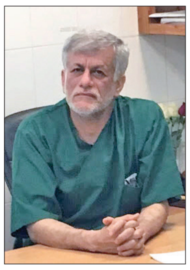
و قابل ذکر آن که در شرح وظایف سازمان بازرسی تامین اجتماعی آمده است که این سازمان، وظیفه بررسی قصور یا تخلفات کارفرما در انجام وظایف بیمه‌ای و اطمینان حاصل نمودن از رعایت کردن حقوق بیمه‌ای پرسنل و مواردی این چنین می‌باشد.

و در این مورد خاص که دستور جمع آوری و امحاء نشریه داده شده و ایشان، زاویه‌دار بودن این نشریه با دولت و نظام را نیز جزو اتهامات این نشریه عنوان نموده‌اند، ظاهرا از شرح وظایف این سازمان خارج می‌باشد و این اتهام گفته شده قطعا باید اثبات گردد که در چه مواردی نشریه نسیم جنوب با دولت و یا نظام زاویه داشته و از وظیفه خود طبق قانون مطبوعات، فراتر رفته است؟ زیرا در صورت اثبات این موضوع مطمئنا از طرف هیات نظارت بر مطبوعات، تذکر داده می‌شد.

بنابراین این نشریه وزین که نویسندگان فرهیخته، افتخار همکاری با این هفته نامه را دارند، رسالت خود را به خوبی انجام داده و می‌دهد.

از نسیم شمال تا نسیم پرفروغ جنوب

دکتر عبدالرحیم مهرور



از نسیم شمال تا نسیم‌جنوب در امتداد فرهنگی روشن، روان و سلیس برای بدست آوردن آزادی‌های اجتماعی و سیاسی با پشتوانه مردمی که طالب حق‌طلبی و پاسخگویی دولتمردان هستند و خون دل‌ها خورده‌اند، نباید فردی که شاید ناخواسته طالب قدرت از طریق تهدید و ارعاب بوده و برای نشریات قانونی خط و نشان می کشد، بر مسند قدرتی باشد که قطعا در جامعه با فرهنگ استان بوشهر سرخورده و منزوی می‌شود.



نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ورزشی

هشت صفحه، ۲۰ تومان

پیش شماره اول - چهارشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۷۶

آی آدم ها که بر ساحل نشسته ...

از صادق چوبک تا منیرو روانی پور

قصه داستان نویسی در بوشهر

گفتگو با پیر مطبوعات جنوب، عبدالرحیم جعفری

دیداربا مردی که مجلس عوام انگلیس را بهم ریخت

ادغام فرهنگ با سیاست

استاندار بوشهروانتشار نشریه

از مزایای نی انبان

رقص ژاپنی در بوشهر

به نظر ایرج صغیری

اصلا بوشهر تئاتر ندارد

زندگی یک معتاد بوشهری

ورزشکاری که دود شد

مجمع خط امامی ها در بوشهر

چرا نیروهای خط امامی در بوشهر متشکل نیستند؟

مدافعان جامعه مدنی در بوشهر

شماره اول نسیم جنوب در ۶ اسفند ۱۳۷۶

نشریه وزین نسیم جنوب با سابقه درخشان نزدیک به ۳۰ ساله‌اش در فرهنگ مطبوعاتی مردم بوشهر، جا باز کرده است.

نسیمی که صفحاتش گرچه پر زرق و برق نیست اما نوشته‌هایش دل‌انگیز و مردم پسند است. چنین نسیمی هرگز با تهدید مدیران کج سلیقه به قهقرا نمی‌رود.

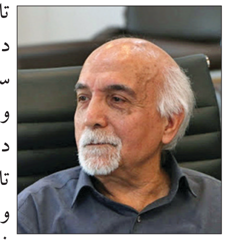
ابتدا باید ببینیم این مدیری که دور برداشته کیست و با چه رسالتی خود را به اینجا رسانده و از چه منظری خواهان جمع‌آوری و آتش زدن نشریه نسیم جنوب است! البته ایشان اگر از روابط عمومی قوی برخوردار بود هرگز خود را به امواج سهمگین و متلاطم دریایی که اکثر مردم از عملکرد دولتیان ناراضی هستند نمی‌انداخت، زیرا رسوایی این گونه رفتارها بیشتر از خودشیرینی‌ها قابل سنجش و ارزیابی است.

مگر می‌شود در یک جامعه هزار شاخه با هزاران تفکر واگرا و رنجور از تورم افسار گسیخته، گیر داد به نشریه‌ای که گیرم مخالف دولت باشد. مگر این دولت چه تاجی بر سر ملت گذاشته که دیگران نتوانسته‌اند؟

حال که این گونه است بگذارید تا بجای لکوموتیوها، ریل‌هایتان به حرکت درآیند تا شاید صبح دولت شما بدون نسیم‌های شمال و جنوب بوزد هر چند که جنوب با تهدیدهای امثال شما بی نسیم نمی‌ماند زیرا که این نسیم سال‌هاست با لطافت و شادابی بر چهره درخشان مطبوعات استان بوشهر وزیدن گرفته و هرگز با تهدید به خاموشی نمی گراید.

هردم ازاین باغ بری می‌رسد

حسین حشمتی



تاآن‌جا که به یاد دارم، اصل رفتار سازمانی و تفکیک وظایف در ادارات دولتی از قدیم ایام تاکنون یکی از وظایف مدیران ذیربط بوده است زیرا اگر قرار باشد هر زیرمجموعه‌ای از یک دستگاه اداری طی نامه‌ای خارج از عُرف و ضوابط درون سازمانی برای مافوق خود تعیین تکلیف نماید، به قولی سنگ روی سنگ بند نخواهد شد اما از آن‌جایی که در این استان پراستعداد و ثروتمند، بعضی از مدیرانی وجود دارند که گویی قادر یا مایل به کنترل پرسنل تحت امر خویش نیستند لاجرم نتیجه این می‌شود که برخی از واحدهای تابعه برای خودشان دفتر و دستکی می‌سازند و کوس «لمن مُلکی» می‌زنند.

نمونه این وضعیت تاسف بار اخیرا در اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر روی داده است که گویا مسئول بازرسی آن اداره طی نامه‌ای رسمی و (دارای غلط املایی) به مدیرکل و مافوق خود تکلیف می کند که نسخ هفته نامه وزین و قدیمی نسیم جنوب را که از قضا خودش اذعان دارد حاوی اخبار و فعالیت‌های آن اداره بوده، به دلیل زاویه داشتن با دولت! جمع‌آوری و امحا نماید! و مدیرکل مربوطه هم که از فحول و چیره‌دستان سازمان تامین اجتماعی کشور است و به همین دلیل انتظار می‌رفت با تدبیر اندیشمندانه با موضوع برخورد نماید و به عبارت ساده‌تر جلوی تندروی مسئول زیرمجموعه خود را بگیرد، مع‌الاسف به خواسته ناروای او، تن داده است!

به هر روی آن چه مسلم است مسئول بخش بازرسی اداره کل تامین اجتماعی بوشهر اتهامی غیراخلاقی بر مدیر مسئول هفته نامه نسیم جنوب وارد ساخته است که اگر مدیر مسئول هفته نامه از وی شاکی شود باید بتواند ادعای نامعقول خویش را ثابت نماید اما می‌دانم که یونس قیصی‌زاده با طبع سلیم و اخلاق حسنه‌ای که دارد بعید است وارد فاز قضایی شود.

در این‌جا روی سخنم با استاندار بوشهر است که ضمن بررسی مسئله‌ای که پیش آمده است، ترتیبی اتخاذ نمایند تا در این برهه زمانی خاص، جو عمومی استان دچار تشنج ناشی از سوء عملکرد برخی از دستگاه‌ها نشود.

کتاب داستان نویس بوشهری در میان نامزدهای جایزه مجموعه‌داستان «احمد محمود»

نامزدهای بخش مجموعه داستان چهارمین دوره جایزه «احمد محمود» معرفی شدند.

به گزارش ایسنا، دبیرخانه این دوره از جایزه، نامزدهای اولیه خود را در بخش مجموعه داستان اعلام کرد. این لیست شامل ۱۰ کتاب است که در بازه زمانی دو سالِ ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ منتشر شده‌اند.

بنا بر اعلام، داوریِ این بخش به‌صورتِ نظرسنجی از میان نویسندگان، کتاب‌فروشان و منتقدان انجام شده است. داوری اصلی در این مرحله سه کتاب را از بین این ۱۰ اثر به‌عنوانِ نامزد نهایی اعلام و برگزیده را انتخاب خواهد کرد. کتاب داستان «یاغی آخر» نوشته علی صالحی نویسنده بوشهری که توسط انتشارات ثالث منتشر شده است، نیز در میان ده اثر برگزیده این جشنواره است.

مراسم نهایی جایزه ادبی «احمد محمود» در زمستان ۱۴۰۲ برگزار خواهد شد.

نسیم جنوب را دریابیم

احسان هوشمند



در کنار رسانه‌های جمعی غیردولتی که با مشقت و دشواری در سطح ملی فعالیت می‌کنند، نباید از زحمات و تلاش‌های روزنامه‌نگاران و رسانه‌های مستقل استانی و شهرستانی غافل شد. این دسته از رسانه‌ها با مسائل و مشکلات بیشتری دست به گریبان هستند.

یکی از این نشریات که در دوره‌ای ۲۵ ساله از آغاز فعالیت خود، توانسته است علیرغم مشکلات بسیار، به فعالیت خود همچنان ادامه دهد، هفته نامه نسیم جنوب است که به مدیر مسئولی یونس قیصی‌زاده در بوشهر به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این نشریه به صورت منظم در ۲۵ سال گذشته منتشر شده و به عنوان بادوام‌ترین نشریه استان بوشهر کارنامه قابل قبولی را به نام خود ثبت کرده است بطوری که به تریبونی برای بیان دیدگاه‌های روشنفکران و متخصصان این استان که دل در گرو توسعه منطقه دارند، تبدیل شده است. علاوه بر این برنامه‌ها و مراسم‌های فرهنگی و هنری این هفته نامه نیز در طی این مدت با استقبال مردمی روبرو شده است.

علیرغم فعالیت حرفه‌ای خوب این نشریه در دوره‌ای طولانی، نگرش مسئولین محلی بسته به جهت گیری دولت‌ها نسبت به نشریه‌های مستقلی از این دست، دوستانه نیست و محدودیت‌های زیادی مقابل چنین رسانه‌هایی گسترانیده می‌شود.

در هفته گذشته انتشار نامه مدیر بازرسی تأمین اجتماعی استان بوشهر بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استان بوشهر و دیگر نقاط کشور داشت. مدیر نامبرده طی گزارشی به مدیر کل استان نوشته «اخیراً تعدادی از مجلات و هفته نامه‌های زوایه دار با دولت و نظام (هفته‌نامه نسیم‌جنوب) توسط روابط عمومی در سطح اداره کل توزیع و مشاهده گردیده...خواهشمند است دستور فرمائید ضمن برخورد قاطع اداری با مسببین توزیع، نسبت به جمع‌آوری و امحا آن اقدام فوری به عمل آورند.» چنین رویکردی به رسانه‌های کشور به صورت عام و درباره رسانه‌های استانی به صورت خاص آن هم با چنین ادبیاتی که خواستار امحا یک نشریه قانونی و دارای مجوز از هیات نظارت بر مطبوعات شده، به جز تشدید محدویت‌ها برای رسانه‌های داخلی و ایجاد مانع در برابر گردش آزاد اطلاعات، چه معنای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ عقل و تدبیر حکم می‌کند که نشریاتی مانند نسیم جنوب با فعالیت ۲۵ ساله در استان بوشهر آن هم با منابع مالی شخصی، مستوجب تشویق و یاری شوند نه محدودیت و برخوردی از این دست در ساختار اداری و دولتی برایش تدارک دیده شود.

علیرغم بازتاب وسیع نامه فوق‌الذکر، تاکنون اداره کل مربوطه و نیز مقامات بالاتر هیچ واکنشی نسبت به نامه مدیر بازرسی سازمان تأمین اجتماعی بوشهر نداشته و البته وزارت فرهنگ و ارشاد نیز در برابر این نامه به موضع گیری نپرداخته است! در شرایط نامناسب روزنامه نگاری در کشور به ویژه محدودیت‌ها و حتی مشکلات اقتصادی پیش روی، باید رسانه‌های مستقل استانی و محلی چون نسیم‌جنوب که حاملان و مروجان فرهنگ و هنر در منطقه خود هستند، بیش از گذشته تقویت شوند نه با نامه‌نگاری اداری، سدهای بیشتری در برابر فعالیت این نشریات ایجاد شود.

افشاگری تازه بر علیه روزنامه نگار بوشهری

مراسم نسیم جنوب سوزی مقابل تأمین اجتماعی

مهدی جهانبحشان

اخیراً یک مقام منیع در سازمان تأمین اجتماعی در مقام قضاوت اظهار نظر کرده و با قدرت اجرایی، تشخیص داده‌اند که هفته نامه نسیم جنوب، وابسته به سازمان سیا و اینتلجنت سرویس انگلستان و موساد اسرائیل، باید امحاء و سوزانده شود.

ما هم در مورد مدیر مسئول و سردبیر آن یعنی یونس قیصی‌زاده تحقیق کردیم و جرم‌های نابخشودنی زیر را به پرونده ایشان اضافه می کنیم :

یکم: این ملعون وابسته، خود را فرزند شهید جا زده.

دوم: مدعی شرکت در جنگ تحمیلی است. در این راستا عکسی هایی هم از وی موجود است که فتوشاپ و ادیت شده و نشان می دهد که جزء اعضای گروه غواصی بوده و تازه گفته می‌شود جانباز هم هست.



سوم: وی با نشست ادبی دوشنبه‌های نسیم از عنصر خطرناکی بنام منوچهر آتشی شاعر و عنصر خطرناک دیگری بنام محمدحسن آرش‌نیا برای انحراف جوانان استفاده می کرده که صدها شاعر و نویسنده وابسته به استکبار پرورش می‌داده.

چهارم: یونس قیصی‌زاده از هفته نامه نسیم جنوب استفاده می‌کرده و با تبلیغات مردم را وادار می نموده که در انتخابات مختلف شرکت کرده و تعداد رای‌دهندگان را بالا می‌برده تا عناصر خطرناک به مجلس راه یابند، حتی دو عنصر وابسته بنام سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی با همین ترفند آرای زیادی را در بوشهر کسب کردند، که باعث بی‌آبرویی نظام شدند.

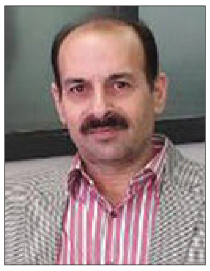


پنجم: وی علاوه بر این که برادر و فرزندش دارای مدرک پزشکی هستند خود نیز با وجود ستاره‌دار شدن، مدعی داشتن دکترای روانشناسی است.

نظر نهایی: لذا ما تصمیم داریم تعداد زیادی از نسخه‌های روزنامه وابسته مذکور را روی به روی سازمان تأمین اجتماعی تلنبار کرده و با حضور و دستور مقام منیع سازمان تأمین اجتماعی، اول به آتش کشیده و سپس خاکسترش را بر باد دهیم.

امیدوار به ادامه انتشار نسیم جنوب

دکتر عباس حاتمی



خبر غیرقابل قبول جمع‌آوری نشریه وزین نسیم جنوب به دستور مدیر یک مجموعه دولتی مایه تاسف است و امیدوارم دستگاه مربوطه آن را اصلاح نماید.

نسیم جنوب الحق نشریه‌ای حرفه‌ای و کارشناسی و در مسیر توسعه بوشهر و تجزیه و تحلیل مسائل ملی و بین‌المللی است و باید آن را تقویت کرد.

وظیفه نشریه نقد و تحلیل است و اگر دستگاه اداری ایرادی بر مطالب نشریه دارد، می‌تواند آن را تکذیب یا نقد کند.

به هر حال امیدواریم سوء تفاهمات با گفتگو مرتفع گردد و نشریه به مسیر آگاه بخشی خود ادامه دهد.

دستور برچیدن هفته نامه نسیم جنوب در میان انبوه مشکلات مردمی

اسکندر احمدنیا



۱. چند سال است که ذهن‌مان را تأمین اجتماعی، مشوش کرده است و معتاد تلویزیون شده‌ایم و خبرهای مجلس و پرداخت مبلغی که همسان‌سازی حقوق سی ساله‌امان، جناب قالیباف ریاست مجلس را بر عهده دارد و با صدایی غرا وعده ی پرداخت می‌دهند.

نمایندگان خودمان که چهار سال‌شان تمام می‌شود، ماییم که سرکاریم، این سرکاری فقط هر از گاهی خانواده‌های‌مان هم در انتظاری چندساله از تلویزیون و شبکه‌های خبری بریده‌اند، کی پرداخت می‌شود را باید در این دنیای فانی بایگانی کنیم و قیدش را بزنیم. بیشتر از همه ریاست جمهور به عنوان عملکردی انجام شده به سمع سراسر مردم می‌رساند و دیگر هیچ !

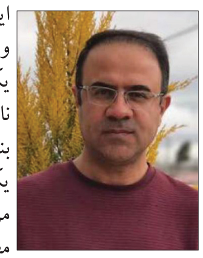
۲. دولت محترم و مجلس و مقامات کشوری نظرشان این است که فرزندآوری در کشور ما مورد توجه مردم نیست، حرف درستی است و نسل جدید اراده‌ای در این زمینه نشان نمی‌دهد، از طرف دولت هم ضمن توصیه، وعده‌هایی می‌دهد، این وعده‌ها هم برای تشویق به انجام چنین حرکتی، پاسخی نداشته است، حرف هست ولی عمل نه، باید بپذیریم که نسل جوان ما کم جمعیت شده است، دولت ازیک سو وعده می‌دهد وسوی دیگر به روی زوج های جوان، درب پرداخت وام را بسته است.

۳. گرانی در بازار بی‌ناظر شهر ما و باید گفت استان ما مشکلی شده است. گران کردن اجناس، چه میوه و سبزی و... و چه اقلام دیگر بی‌داد می‌کند، هرکسی هم اعتراضی کند، پاسخش این است «مگر نمی‌دانید ما تحریمیم!» البته باید گفت: تاکی؟

باهمه‌ی این دردها و انتظارها تأمین‌اجتماعی شهرمان، دستور برچیدن هفته نامه نسیم جنوب را صادر می‌کند، این مدیران چه فکر می‌کنند که داس بدست وارد میدان شده‌اند؟ یک جمله می‌گویم «بتاز تا بتازانیم».

تهدید علیه مطبوعات و محدودکردن آزادی بیان

مسلم روئین - وکیل دادگستری



این که رییس بازرسی و رسیدگی به شکایات یک اداره دولتی چنین نامه تهدیدآمیزی بنویسد و خواستار امحا یک رسانه مستقل و مردمی شود در تاریخ مطبوعات ایران بی‌سابقه هست! به چه اتهام یا دلیلی؟

مگر رسالت مطبوعات غیر از انتقاد و عیان کردن مشکلات موجود، جهت اصلاح و بهبود آن چه در جامعه و ادارات اتفاق افتاده و مردم با آن دست به گریبانند، چه می‌تواند باشد؟! یعنی اگر نشریه نسیم‌جنوب، بله و قربان‌گوی تامین اجتماعی و دیگر ادارات باشد در آن ادارات حق پخش دارد؟! که در این صورت یعنی بسته شدن انتقاد و سکوت در برابر مشکلات برای بدست آوردن رضایت مدیران دولتی، اما آیا این‌گونه معضلات برطرف می‌شود و صدای مردم به گوش دولت و حکومت می‌رسد؟ پس رسالت رسانه و توقع شهروندان از مطبوعات غیروابسته و مستقل چه می‌شود؟ لذا این نامه بر اساس ماده ۴ قانون مطبوعات، مصداق تهدید علیه مطبوعات و محدودکردن آزادی بیان می‌باشد و هم نشریه مردمی نسیم‌جنوب و هم خانه مطبوعات می‌توانند نسبت به این موضوع به دادستان به عنوان مدعی‌العموم، اعلام جرم نمایند.

این نامه مصداق تهدید علیه مطبوعات و محدودکردن آزادی بیان می‌باشد و هم نسیم جنوب و هم خانه مطبوعات می‌توانند نسبت به این موضوع به دادستان به عنوان مدعی العموم، اعلام جرم نمایند

تور گردشگری دریایی بوشهر - کیش راه‌اندازی می‌شود

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: با رایزنی انجام شده با دو شرکت توانمند برقراری تورگردشگری بوشهر - کیش در دستور کار این اداره‌کل قرار گرفته و در این زمینه توافق اولیه با یکی از کشتی‌های مسافربری حاصل شده است.

زورگویی مدیران و پیمانکاران نسبت به کارگران

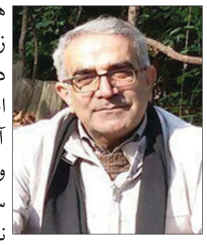
رئیس‌کل دادگستری استان بوشهر گفت: در بحث حق و حقوق کارگران با هیچ‌کس تعارف نکنید، برخی پیمانکاران و مدیران مربوطه به وظایف قانونی خویش عمل نمی‌کنند، طبق قانون برخورد نمایید. زورگویی مدیران بخش خصوصی، نسبت به کارگران قراردادی و اینکه سال‌هاست، برای فرار از قانون کار، استخدام‌های کارگری معمولاً قراردادی موقت است و نیز بخشی از راه‌های فرار از پرداخت مالیات با تهیه دو فاکتور.

هشدار در خصوص کلاهبرداری با شگرد رمز ارز رایگان

رئیس پلیس فتا بوشهر: مجرمین سایبری با ارسال گسترده پیام‌هایی با سرشماره مجازی در بستر شبکه‌های اجتماعی با عنوان تخصیص رمز ارز خارجی رایگان قصد کلاهبرداری از شهروندان را دارند.

قانون یا سلیقه در برخورد با نسیم جنوب!

دکتر سعید معدنی



همگان می‌دانیم تنها راه زیستن همراه با آرامش در جامعه مدرن، قانون و اجرای بی کم و کاست آن است. قوانین روشن و صریح ضامن زندگی سالم و همراه عدالت نسبی است. هرچقدر یک جامعه قانونمند و حاکمیت و مردمانش وفادار به قانون باشند، آن جامعه مستعد پیشرفت و توسعه است. به خصوص قوانینی که در راستای منافع اکثریت و همگان است.

علی‌القاعده ترویج قانون و پافشاری و اصرار بر اجرای آن، می‌بایست از سوی حکومت‌گران صورت گیرد. زیرا آن‌ها هستند که قانون را تصویب کرده‌اند و طبیعی است که اولین وفاداران به قانون و اجرای آن، خودشان باشند اما در ایران برعکس است و در بسیاری امور، سلایق شخصی بر اجرای قانون غلبه می کند.

مثلا مجوز اجرای کنسرت توسط دولت صادر می‌شود و در همه شهرهای ایران کنسرت با حضور نوازندگان زن برگزار می‌شود اما در برخی استان‌ها، مسئولان و یا افراد صاحب نفوذ و قدرت، در مقابل قانون - قانونی که خودشان تصویب کرده‌اند - سینه سپر می‌کنند و اجازه نمی‌دهند برنامه‌ای که هیچ ممنوعیتی برای اجرا ندارد، برگزار شود. هرچقدر در جامعه سلایق فردی، جناحی و سازمانی حاکم باشد و قانون معیار نباشد، فاجعه‌آمیز است که در ایران متاسفانه در برخی موارد جاری و ساری است.

در خبرها آمده بود که سازمان تأمین‌اجتماعی بوشهر به پرسنل خود دستور داده که هفته نامه نسیم‌جنوب را از سازمان، گردآوری کرده و از بین ببرند زیرا با دولت زاویه دارد! یعنی نشریه‌ای که مجوز آن توسط حکومت صادر شده و نشر آن قانونی است، بنا به سلیقه‌ی یک یا چند نفر در یک سازمان، جمع آوری و از بین برده شود، در حالی که سایر نشریات محلی در دسترس کارمندان سازمان قرار دارند. بنا به اظهار مدیر مسئول نشریه نسیم جنوب، این هفته نامه همه اخبار مربوط به تأمین اجتماعی استان را پوشش می‌دهد.

هفته نامه نسیم جنوب قدیمی‌ترین نشریه بوشهر است که بطور مداوم چاپ شده است. بیش از ۲۵ سال است که افراد فرهیخته و بی‌شماری از اهل قلم این استان از ابتدای چاپ نشریه تا به حال در آن قلم زده و مطالب و نوشته‌های‌شان چاپ می شود. از چهره ماندگار ادبیات، منوچهر آتشی گرفته تا دیگران و دیگران.

در متن نامه مسئول تأمین اجتماعی آمده است که نشریه «زاویه‌دار با دولت» است. اگر زاویه‌دار است، باید به فال نیک بگیرند که وجود چنین مطبوعاتی برای یک استان و سازمان‌هایش نعمت است و احتمالا مشکلات و کاستی‌های شهر و استان را نشان می‌دهند. روشن است که مطبوعات مجیز گوی، مشکلی از دولت حل نمی‌کنند و زباله‌ها را زیر گوشه فرش پنهان می کنند.

بهتر است در اجرای قانون سلیقه‌ای عمل نکنیم؛ اگر وجود همه نشریات در سازمان پذیرفته شده، حضور نشریه فرضاً منتقد هم باید توصیه و تحمل شود. در همه کشورهای پیشرفته به نشریات مخالف اجازه نشر می‌دهند و حتی حمایت می کنند تا دولت‌یان، نقاط ضعف را دانسته و در رفع آن بکوشند. همچنین حضور و وجود مطبوعات مخالف- زاویه‌دار با دولت- در سازمان دولتی، نشانگر تحمل مسئولان مربوطه است. در هر حال بهتر است قانون و رویه معیار باشد نه سلیقه فردی و جناحی.

وجود نشریه‌ای محلی همچون نسیم جنوب - با شناختی که از صداقت و پاکدستی مدیر مسئول آن، دکتر یونس قیصی‌زاده دارم - در هر استانی نعمت است و باید قدر آن را دانست. امیدوارم مسئولان ادارات استان بوشهر، عاملی برای دلسردی دست‌اندرکاران نشریه و مانعی برای ادامه حیات آن نباشند که قدمت و تداوم نشر آن با همه مشکلات در این سال‌ها، مایه مباحات و افتخار استان بوشهر است.









تیغ سازمان های دولتی بر گردن نشریات مستقل و جریان آزاد اطلاع رسانی

ادارات استان، گویی دنبال «بله قربان گو» هستند نه نشریه

لیدنیوز، سیامک برازجانی: تامین اجتماعی دستور امحاء نسخه‌های نشریه نسیم‌جنوب داد. در دستور رئیس اداره بازرسی تأمین اجتماعی برای امحاء نشریه نسیم جنوب تاکید شده که این هفته‌نامه بابت انتشار اخبار تأمین اجتماعی پولی از این سازمان نگرفته است.

در دستور رئیس اداره بازرسی تأمین‌اجتماعی استان بوشهر تاکید شده به دلیل «زاویه دار بودن نسیم جنوب با دولت» باید همه نسخه های هفته نامه نسیم جنوب از سطح اداره جمع آوری و امحا شود.

بی‌قانونی ادارات استان تا بدان‌جا پیش رفته که رئیس اداره بازرسی تأمین اجتماعی استان، مجوز هیأت نظارت بر مطبوعات و وزارتخانه ارشاد را قبول ندارد. ایشان همچنین هم جای ضابطان قضایی نشسته، هم جای دادیار و هم جای قاضی هم جای دادستان! هم حکم می دهد، هم درخواست اجرای حکم خود دارد و مدیرکل هم بی قید و شرط دستور اجرای این دستور می دهد!

اگر امروز جلو این برخوردهای خلاف و سلیقه‌ای گرفته نشود بعید نیست فرداروزی جلو ورود بلندپایه‌ترین مقامات استان به ادارات هم توسط رئیس اداره بازرسی یک اداره گرفته شود و یا رئیس اداره بازرسی یک اداره حکم شلاق و زندان یک روزنامه نگار و آتش زدن دفتر یک نشریه را صادر کند.

همه این ها به کنار. مدیرکل اداره تأمین‌اجتماعی از خانواده اصیل بوشهری است و قاعدتاً فردای بازنشستگی باید در همین شهر زندگی کند. به همین دلیل نباید به جای برخورد با دستورات غیرقانونی، آن تصمیمات را به حراست و روابط عمومی ارجاع دهد و بخواهد که آن را اجرا کنند. نکته آخر این که مدیرکلی که دیگران در اداره تحت مدیریتش بتوانند این گونه برایش حاشیه بتراشند، نمی‌دانم مدیریتش به چه دردی می‌خورد.

۲۵۰ میلیارد ریال برای تکمیل موزه شهید رئیسعلی دلواری تخصیص یافت

فرماندار تنگستان گفت: با تخصیص ۲۵۰ میلیاردریال، طرح مرمت و بازسازی موزه شهید رئیسعلی دلواری در شهر دلوار این شهرستان آغاز شده است.

به گزارش ایرنا، احمد لطفی در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: این طرح اکنون فعال است و انتظار می رود در بازه زمانی ۱۸ ماه به پایان برسد.

وی افزود: موزه شهید رئیسعلی دلواری به عنوان گنجینه‌ای از تلاش ها و مجاهدت‌های این سردار جنوب در مقابل استعمار پیر انگلیس، یادآور تلاش های مردم این خطه برای حراست و حفاظت از خاک ایران به شمار می رود که سالانه چند صدهزار نفر از آن بازدید به عمل می‌آورند.

فرماندار تنگستان تصریح کرد: یکی از مهمترین اقداماتی که برای زنده نگه‌داشتن قیام مردم تنگستان برای نسل‌های بعد انجام شده گردآوری خاطرات شفاهی همرزان شهید رئیسعلی دلواری بوده تا به عنوان اسنادی تاریخی قابلیت پژوهش داشته باشد. ذدر حوزه فرهنگی و طرح های مرتبط با این بخش، تکمیل مجتمع فرهنگی و هنری دلوار از محل اعتبارات شهرستان و همچنین دستور ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در کنگره شهید رئیسعلی دلواری است که از سال ۱۳۸۸ آغاز و تا قبل از این دولت پیشرفت فیزیکی چندانی نداشت.



nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰

www.nasimjonoub.com

حرمت قانون باید ابتدا توسط خود نظام دولتی رعایت شود

دکتر عبدالمجید مصلح



به طور کلی اگر مبنای و قید قانونی بودن از نظام اداری و مدیران دولتی حذف شود، عملا سازمان دولتی به کانون تامین منافع افراد و گروه های ذینفوذ، بی عدالتی، نادیده گرفتن حقوق عامه تبدیل خواهد شد.

ویژگی‌ای که در تعداد زیادی از مدیران دیده می‌شود، با این فرض هست که چون مدیر سازمانی هستند حق هر کاری بر اساس صلاحدید شخصی دارند، در حالی که همه می بایست در چارچوب قانون عمل کنند.

استدلال مدیری که بدون استناد و مجوز قانونی جلو انتشار و یا توزیع یک نشریه را می گیرد، همان استدلال شخصی است که استخدام فامیلی می کند، در ارائه خدمات ذاتی سازمانی معیارهای شخصی اعمال می‌کند، و حق دیگران را زیرپا می گذارد!

به طور کلی سازمانی که بر پایه پرداخت کسورات بیمه مردم فعالیت می کند با اموال عمومی به مثابه اموال شخصی رفتار می‌کند، آن طور که او می خواهد.

مدیران بالادست و نظام‌های نظارتی باید مراقب فعالیت‌های غیرقانونی باشند و به چنین افرادی اجازه چنین رفتارهایی را ندهند.

حرمت قانون می‌بایست از ابتدا توسط خود نظام دولتی رعایت شود.

دستوری عجیب و غیرقابل باور

دکتر عبداله آورا

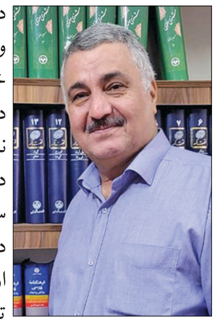


خبر برخورد با نسیم‌جنوب، برای من غیرقابل باور بود. این که یک نفر در یک جایگاه رسمی دولتی، به خود اجازه بدهد این‌گونه رفتار فراقانونی و ضدفرهنگی را از خود بروز بدهد، بسیار عجیب و غیرقابل باور است.

امحاء کردن و سوزاندن نشریه‌ای قانونی و رسمی با سابقه طولانی در انجام کارهای فرهنگی، صرفا به دلیل این‌که آن نشریه، همفکر من نیست، با تمام قوانین آزادی بیان و قانون اساسی کشور، در تناقض آشکار است و میدان دادن به چنین تفکری و عدم برخورد با آن‌ها، می‌تواند طبعات وحشتناکی برای جامعه، به ویژه در حوزه فرهنگی داشته باشد و انتظار می‌رود مسوولین استانی، نشان‌دهند که موافق این سبک رفتار و هرج و مرج نیستند و اجازه نمی‌دهند افکار تندرو و فاقد چارچوب فکری منطقی، به تعرض به حقوق اولیه مردم و نقض بدیهی‌ترین قوانین آزادی بیان و تنوع فرهنگی در جامعه ادامه دهند.

اتهام به جای افتخار به نسیم جنوب

دکتر حمید اسدپور



در این زمستان بی‌روح و بی‌باران که نشان از خشکسالی و قحطی دارد، شنیدن خبری ناگوار و عجیب، دل‌ها را افسرده ساخت. خبری که دال بر اتهام‌زنی یکی از مدیران سازمان تأمین اجتماعی بوشهر به یکی از دیرپاترین و پیشتازترین مطبوعات بوشهر بعد از انقلاب اسلامی است.

جناب مدیر مربوطه باید بداند که این اتهام‌زنی کاری غیرانسانی و غیرحقوقی و غیرقانونی است. کشور قانون دارد و دستگاه‌های گوناگون عهده‌دار امور گوناگون هستند. اگر مدیر آن اداره کل، شکایتی دارد یا اسناد و مدارکی دارد، بایستی به یک دادگاه قانونی مراجعه نماید نه اینکه بدون سند و مدرک، در یک نامه رسمی با آبرو و حیثیت و شئون اجتماعی عده‌ای شهروند مسلمان بازی کند! مگر این‌که آقای مدیر مربوطه بگوید قانون را قبول ندارم که آن‌گاه بایستی یک پرسش هگلی از ایشان خواهیم داشت که چرا قانون را قبول ندارد؟

جهت استحضار آقای مدیرکل تأمین اجتماعی بوشهر عرض می کنم که هفته نامه نسیم‌جنوب متشکل ازافراد گوناگونی است که برای خدمت به جامعه گرد هم جمع شده‌اند واین افراد فقط شامل مدیران نشریه نمی‌باشند. آقای مدیرکل آگاهانه یا ناآگاهانه اتهام جمعی به یک گروه بزرگ از شهروندان وارد ساخته و باعث خسران و زیان آن‌ها شده و به موجب قاعده لااضرار، بایستی از این اتهام‌زنی دسته جمعی بپرهیزد و پوزش بخواهد زیرا در نشریه نسیم جنوب سه گروه دخیل هستند که به هرسه گروه اتهام زده شده است.

گروه نخست: شامل مدیران و صاحب امتیاز و سردبیر و مدیر داخلی و عکاسان و خبرنگاران و امور فنی نشریه می‌شود.

گروه دوم: گروه نویسندگان نسیم جنوب هستند که شامل صدها نفر از استادان، محققان، معلمان، دانشجویان، شاعران و اهل قلم اعم از آقایان و خانم‌ها می‌شود که هدفی جز ارتقاء فرهنگی استان ندارند و اینک به جای پاداش، اتهام دریافت کرده‌اند.



مراسم سالگرد انتشار هفته نامه نسیم جنوب

گروه سوم: جامعه بزرگ مخاطبان و خوانندگان و مشترکین نسیم‌جنوب هستند که حالا به موجب نامه مدیر محترم در تأمین‌اجتماعی متهم شده‌اند!

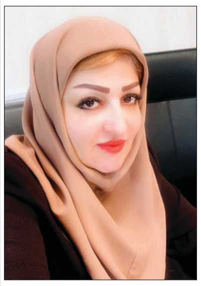
اینک چه کسی پاسخگوی این همه شهروند مظلوم می‌شود که مورد اتهام مدیر تأمین اجتماعی بوشهر واقع شده‌اند؟

آقای مدیر سازمان تأمین اجتماعی، نویسنده این متن که گاهگاهی در نسیم جنوب قلم می‌زند دوبار افتخار حضور در جبهه‌های دفاع از مرزهای کرامت و حق و خاک و آب این کشور و این مردم را داشته‌ام، شما چندبار مثل بنده جانتان را برکف دست گرفته و به جبهه رفته‌اید؟

تا آن‌جا که من می‌دانم یونس قیصی‌زاده فرزند شهید و شخصاً رزمنده بوده‌اند و بیش از شما در راه حفظ ایران و این خاک و آب جنگیده‌اند. افراد زیادی در نسیم جنوب قلم می‌زنند که اکثرا رزمنده بوده و در راه خدمت به این مردم و کشور تلاش کرده‌اند. فکر می کنم با طلب حلالیت و دوری از اتهام‌زنی به بندگان خدا، قدری می‌توان از تلخی این واقعه کاست.

نسیم آزادی، عقلانیت و مدارا

دکتر زهره عالی‌نسب



نسیم‌جنوب، نسیم روح‌نواز قلم آزادی خواهی و مدنیت است، نسیم جنوب صدای آواها و هنرها و خواسته‌های مردم بوشهر است که از دیرباز یعنی از سالی که نسیم اصلاحات وزید، صدای مردم بوشهر بوده است و در قلب مردم خطه جنوب نشسته است. در این دو سه دهه، بین نشریات و رسانه‌ها چون نگینی می‌درخشد و عرصه قلم بدستان و نویسندگان حرفه‌ای و فرهیخته بوده است. رسانه‌ای است که همیشه هم برای ترویج مطالعه و اعتلای جامعه تلاش کرده و هم ماوای مطمئن برای نویسندگان بوشهری و ملی بوده است.

نسیم جنوب، همیشه نسیم آزادی، عقلانیت و مدارا بوده است و خواهد ماند.

نسیم جنوب، نسیم پایندگی و پویندگی‌ست و با همت دست اندرکاران و حمایت مردم، از دشنه دشنام بدخواهان و گزند تمامیت خواهان در امان خواهد ماند.

تلاش برای زمین‌گیر کردن رسانه مستقل

دکتر رضا آذین

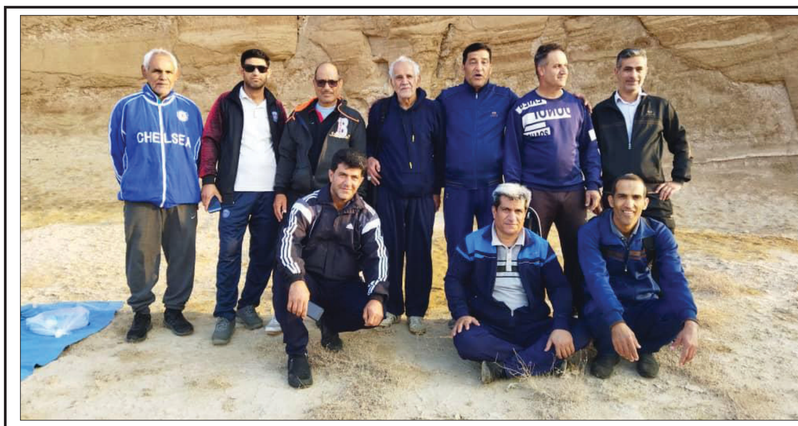


این قبیل اقدامات فشار بر مطبوعات مستقل تازگی ندارد. مدیری که از شفافیت هراس دارد رسانه مستقل را تحت فشار می گذارد و تا حد توان در مسیر تولید خبر و نشر آن و اطلاع‌رسانی به مخاطب سنگ‌اندازی کرده و سعی می کند خبرنگار و اهالی رسانه مستقل را با انواع محدودیت و رفتار فراقانون از عرصه رسانه خارج کند. تجربه ثابت کرده این رفتارها کم یا زیاد باعث می‌شود تا فضای خبررسانی شفاف مختل و به جای آن، اخبار غیر واقعی (فیک نیوز)، شایعه و روابط ناسالم و غیرحرفه‌ای در عرصه رسانه شکل بگیرد و به جای کار کارشناسی و تحلیلی، فضا به سمت تملق و خبرسازی و باجگیری رسانه‌ای برود.

ماده ۴ قانون مطبوعات: هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵: کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، حق قانونی مطبوعات است.

تبصره ۱ : متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط داشتن شاکی، به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.



در این روزها که هوای بوشهر عالی است، فرصت مناسبی است برای گردش در طبیعت و کوه و تپه نورد. تصویر جمعی از شهروندان در گردشگری طبیعت استان بوشهر.